



تبیین و تحلیل شبکه ارتباطی شهرهای ساسانی و نقش این شبکه در فتوحات اعراب

روح اله خسروی نژاد^I

سهیلا ترابی فارسانی^{II}

اسماعیل سنگاری^{III}

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۳۲ - ۱۱۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.18.115

چکیده

قلمروهای گسترده حکومت‌های ایران باستان، در نگاه نخست، افزون بر نمایش اقتدار و تسلط شاهنشاهان، این پرسش را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد که حکومت‌های مرکزی چگونه سلطه خود را بر این مناطق گسترش داده، از این سرزمین‌ها در برابر تهدیدات خارجی دفاع می‌کردند. در شاهنشاهی وسیع ساسانی، یکی از سیاست‌های شاهنشاهان این سلسله برای گسترش سلطه خویش بر کشور، بنای شهرهای جدید و احیاء شهرهای کهن بود. این اقدامات لزوم احداث و بازسازی مسیرهای بین شهری را برای جابه‌جایی کالاها و سپاهیان به وجود آورد، به گونه‌ای که به تدریج شبکه‌ای گسترده متشکل از شهرها و مسیرها شکل گرفت. در این شبکه، شهرها نقش گره‌هایی را داشتند که منابع و تدارکات لازم را برای دولت مرکزی کنترل و فراهم می‌کردند؛ بنابراین می‌توان فرض کرد این شبکه شهری علاوه بر گسترش قدرت، بر سقوط ساسانیان نیز تأثیرگذار بوده است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که شبکه ارتباطی شهرهای ساسانی چه نقشی در فتوحات اعراب داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که شبکه ارتباطی گسترده شهرهای ساسانی نه تنها لشکرکشی و جابه‌جایی سپاهیان اعراب را تسهیل کرد، بلکه آن‌ها توانستند با مسدودسازی راه‌های پشتیبانی، توان دفاعی شهرها را تضعیف ساخته، با در اختیار گرفتن نقاط اتصال این شبکه، یعنی شهرها، حضور و سلطه خود را تثبیت کنند.

کلیدواژگان: ساسانیان، اعراب، شهرهای ساسانی، فتح، شبکه ارتباطی.

I. دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

II. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول).

Tfarsani@yahoo.com

III. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

وضعیت نابسامان اواخر دوره اشکانی به ساسانیان که در آن زمان در فارس مستقر بودند، این فرصت را داد تا قدرت را به تدریج از دست آنان خارج و خود را به عنوان پادشاهان جدید ایران معرفی نمایند (سلوود، ۱۳۹۲: ۴۱). دغدغه کسب مشروعیت و کنترل همه جانبه بر کشور، مانند هر سلسله نوپای دیگر، موجب شد تا پادشاهان نخستین ساسانی تلاش‌های خود را در جهت رسیدن به اهداف اولیه پادشاهی متمرکز نمایند که در نقش برجسته‌های آنان نیز بازتاب یافته است (Canepa, 2009: 57-). Sangari, 2020: 143 (58). کنترل همه جانبه بر کشور، نیازمند ایجاد پایگاه‌ها و انجام تغییراتی در سازماندهی کشور بود که اشکانیان در جهت تأمین اهداف خود ترتیب داده بودند؛ این امر، شاهان ساسانی را با ضرورت سازماندهی و تجدیدنظر در الگوی اداری سیاسی موجود مواجه کرد که به بروز تغییر در نظام شهری ایران انجامید (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۶۷). اردشیر و دیگر شاهان ساسانی با بناکردن شهرها که در زمان باستان حق انحصاری پادشاهان بود و نام‌گذاری آن‌ها مرکب از نام پادشاه و جزئی دیگر مانند ایران یا خوره، آشکارا خود را فرمانروایان جدید ایران می‌نامیدند (هوف، ۱۳۹۲: ۴۹). شهرها توسط نظام یکپارچه اداری تحت نظارت شهرها و دولت مرکزی قرار گرفتند که این امر موجب گسترش شهرهای شاهی و از میان رفتن شهرهای آزاد گردید (لوکونین، ۱۳۹۳: ۱۲۳)؛ در واقع، بنای شهرها وسیله‌ای برای تحت کنترل درآوردن تمام کشور توسط پادشاهان ساسانی بود و نفوذ آن‌ها در شهرها افزایش یافت (Pourshariati, 2008: 38). بدین ترتیب، شاهنشاهان ساسانی با بنا یا تغییر نام شهرها نه تنها مشروعیت پادشاهی خود، بلکه سلطه سیاسی خود را نیز بر سراسر کشور گسترش می‌دادند و منابع لازم را برای تسلط بر شهرهای دور و نزدیک این سرزمین پهناور در اختیار گرفتند.

مفهوم سرزمین را می‌توان مجموعه‌ای از نقاطی دانست که هر یک منبعی برای دولت مرکزی به حساب آمده و این نقاط توسط راه‌های دسترسی به یکدیگر متصل شده که توسط مرزهای انتخابی از آن‌ها دفاع می‌شود، ولی هرکدام از این نقاط توسط فضاهای محصور بدون استفاده احاطه شده‌اند (Smith, 2007: 28-29). مدل حکومت‌های باستان را می‌توان به عنوان شبکه‌های دست‌یابی به منابعی در نظر گرفت که ممکن بود یک شهر، مرکز تجاری یا معدن طبیعی باشد و تسلط خود را به وسیله مدیریت افرادی که تجارت، کنترل مالیات‌ها و زیرساخت‌ها و همچنین اجرای قوانین و عملیات نظامی را عهده داشتند، گسترش می‌دادند (Smith, 2005: 835-836). در این حالت، امپراتوری، در واقع یک شبکه ارتباطی است که از طریق آن کالاها جابه‌جا شده، شهرها به هم پیوند می‌خورند (Liverani, 1988: 86-92). در این شبکه، شهرها مانند گره‌هایی هستند که از طریق سیستم‌هایی مانند جاده به یکدیگر و به یک نقطه مرکزی متصل هستند و هنگامی که حکومت‌ها، نقاطی را که در اختیار دیگران بود به این شبکه اضافه می‌کردند، قلمرو آن‌ها افزایش می‌یافت (Smith, 2005: 838-839). براساس این مدل، حاکمان ابتدا تسلط خود را بر مهم‌ترین منابع منتخب برقرار می‌سازند و سپس راهروها و مسیرهای مهم متصل‌کننده این نقطه، به سیستم شبکه امپراتوری را کنترل می‌کنند و حتی ممکن است که پیوندهایی به شکل جاده یا کانال، بین نقطه جدید با دیگر نقاط برقرار سازند. بدین سان، افزون بر گسترش کنترل خود بر مهم‌ترین منابع سرزمین با داده‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار متغیر را مدیریت می‌کنند (Smith, 2007: 32-). (33). شبکه ارتباطی ساسانیان و شهرهایی که در امتداد آن‌ها وجود داشت، تحت نظارت حکومت گسترش یافته بود و ارتباط بین بخش‌های مختلف امپراتوری را تسهیل می‌کرد (Miri, 2012: 104). نظارت بر راه‌های اصلی این شبکه در اواخر حکومت ساسانی، به سپاهبدان چهارگانه شاهنشاهی ساسانی سپرده شده بود (Howar-Johnston, 2012: 125). این امر نشان از اهمیت سیاسی و نظامی حفظ این شبکه برای ساسانیان داشت؛ زیرا همان‌گونه که «اسمیت» بیان کرده است، با از بین

رفتن شبکه تعامل بین شهرها، فروپاشی حکومت‌ها امکان پذیر می‌شد (Smith, 2005: 838). بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، این خواهد بود که فروپاشی دولت ساسانی و فتوحات اعراب را از دیدگاه رابطه شبکه‌ای شهرهای ساسانی بررسی نماید.

پرسش پژوهش: پرسشی که در این پژوهش عنوان می‌شود این است که، هر یک از شهرهای ساسانی که در مسیر فتوحات اعراب قرار داشتند با توجه به موقعیت و جایگاه خود در شبکه گسترده شهرهای ساسانی، چه نقشی در این رویداد داشته‌اند و چگونه بر آن تأثیرگذار بوده‌اند؟

روش پژوهش: گردآوری داده‌ها در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، و روش آن توصیفی-تحلیلی بوده است.

موضوع شهرهای ساسانی در آثار نویسندگان مختلف، بدون بررسی و تحلیل نقش آن‌ها در شبکه گسترده امپراتوری ساسانی مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به این‌که نقش هرکدام از این شهرها در این شبکه بنابر ملاحظات و ضرورت‌های خاصی بوده، ضرورت مقایسه و تحلیل تأثیر این نقش در رابطه با چگونگی سقوط امپراتوری ساسانی احساس می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده پژوهشگرانی قرارگیرد که به مطالعه پیشینه تاریخی شهرها و اوضاع اواخر عهد باستان می‌پردازند.

پیشینه پژوهش

مفهوم -امپراتوری شبکه‌ای- برای نخستین بار توسط «لیورانی» (۱۹۸۸م.) در رابطه با گسترش امپراتوری آشور در منطقه فرات میانه بیان شد که در آن با بیان شرح لشکرکشی‌های آشوریان بیان می‌کند که تصرف سرزمین‌هایی که در طول زمان از دست رفته و دوباره تسخیر شده‌اند؛ درواقع گسترش امپراتوری و لحظات فتح جدید نیست، بلکه حضور آشوریان را در این مناطق تحکیم می‌کنند و دسترسی آشوریان به مناطق دوردست، تابع کنترل مناطق واسطه‌ای است که با ایجاد پایگاه‌های جدید حتی در فاصله‌های زیاد، قادر به جابه‌جایی کالا و نیروهای خود به وسیله این شبکه هستند. سپس این ایده توسط اسمیت (۲۰۰۵م.) توسعه یافت که در آن به چگونگی نقشه برداری حکومت‌های باستان، قلمرو و شبکه‌های آن‌ها می‌پردازد و با بررسی حکومت‌های باستان نظیر «اینکاها»، «موریان» و «ساسانیان» از طریق داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی نتیجه می‌گیرد که امپراتوری‌های باستان به‌عنوان شبکه به‌طور مؤثرتری درک می‌شوند و در باب ساسانیان نشان می‌دهد که شبکه‌ها می‌توانند هم از طریق پیوندهای ایجاد شده بین مراکز جمعیت و هم در نتیجه پیوندهای جدیدی که جمعیت به آن‌ها جلب می‌شود، رشد کنند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این دیدگاه، ابتدا به مفهوم‌سازی امپراتوری ساسانی به‌عنوان یک امپراتوری شبکه‌ای می‌پردازد و سپس نقش این شبکه در فتوحات اعراب بررسی خواهد شد که می‌تواند جنبه نوآوری این پژوهش باشد.

ایجاد و گسترش شبکه شهرهای ساسانی

شاهنشاهان سلسله ساسانی سیاست خود را برای تسلط بر کشور، بر تأسیس شهرها و لزوم ارتباط بین آن‌ها بنا گذاشتند. بر این اساس، نظارت بر مسیرهای ارتباطی شهرها هم از نظر تدارکات و پشتیبانی نظامی و هم از نظر تجارت و درآمدهای آن برای دولت، اهمیت یافت. این امر، به‌ویژه در مناطق مرزی از اهمیتی دوچندان برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که حتی شهرهایی جهت پشتیبانی دیگر شهرها در خط مقدم مرزها به‌وجود آمد. دولت ساسانی لازم بود تا برای کنترل مناطق دوردست، در بادی‌امر مناطق داخلی و واسطه‌ای سرزمین خویش را تحت تسلط خویش درآورد. این‌گونه اقدام‌ها برای دولت فتح سرزمین‌های جدید نبود، بلکه حذف مراکز قدرت محلی و تحکیم حاکمیت بود که

از طریق شهرها گسترش می‌یافت (Liverani, 1988: 92). توسعه اولیه اقتدار متمرکز آن‌ها هم‌زمان به تجمیع منابع و سرکوب رقبا بستگی داشت (Smith, 2005: 833-834).

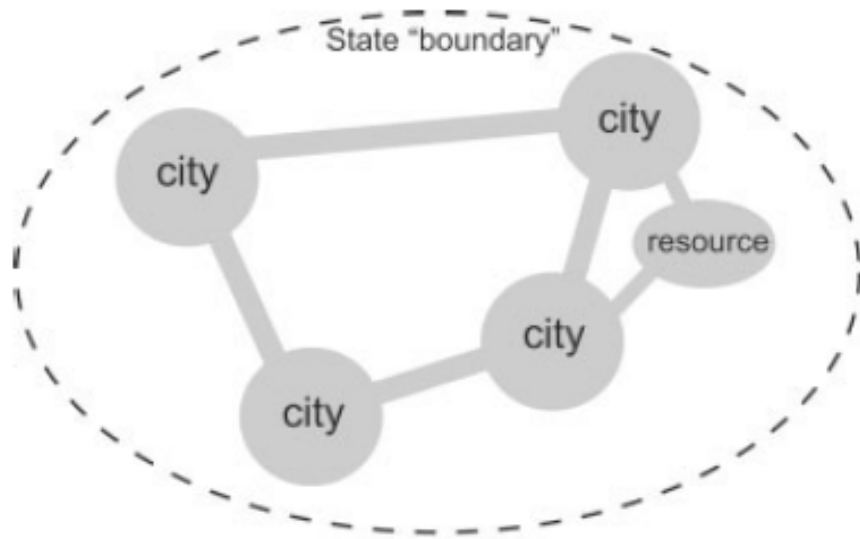
در آغاز کار ساسانیان، «اردشیر» به منظور تقویت توان دفاعی پایتخت جدید خود، اردشیرخوره، با حرکت در مسیر جاده ادویه به سوی شهرهای خاراسن در ایالت میشان، شهر کرخ میسان را بنا می‌کند (طبری، ۱۳۸۳: ۵۸۳)؛ سپس با تغییر نام شهرهای عمده این منطقه، با نام‌های خاراکس و فرات (نزدیک بصره) به ترتیب به استرآباد اردشیر و بهمن‌اردشیر، ضمن معرفی خود به عنوان فرمانروای جدید، سلطه خود را تثبیت می‌سازد (Christensen, 2019: 68). بنای وه‌اردشیر در میان رودان اقدامی در جهت تقویت شبکه ارتباطی شهرهای شاهنشاهی بود. قرارگرفتن این شهر در چهارراه گذر از شرق به غرب و بر سر راه مسیرهای زمینی و نهرهای منتهی به پایتخت، افزون بر رونق اقتصادی آنجا، نظارت بر آن‌ها را تسهیل می‌کرد (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۵۱۲).

اردشیر، گسترش شبکه شهری به سمت شرق و کنترل منابع آنجا را با گسترش سلطه خویش هم‌سو می‌سازد. او در کرمان، بردسیر یا وه‌اردشیر را به همراه دژی بنا می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۲). این دژ در مسیر راهی بود که از سمت جبال و ماد و یزد به سمت نواحی جنوب شرقی فلات پیش می‌رفت و همچنین تأمین امنیت راه‌هایی را که به استان فارس می‌رفتند، بر عهده داشت (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۸۱). در واقع، انگیزه اصلی اردشیر از بنای شهر وه‌اردشیر در کرمان، علاوه بر کنترل خطوط ارتباطی و مسیرهای تجاری؛ کنترل ذخایر سنگ معدنی آنجا مانند: آهن، طلا، مس و نقره بوده است (Christensen, 2016: 181-182). ساخت شهر زرنگ در سیستان توسط اردشیر، توجه خاص او را برای توسعه امپراتوری به سمت شرق نشان می‌دهد (شهرستان‌های ایران‌شهر، ۱۳۸۸: ۴۰)؛ همچنین او استحکاماتی در ناحیه آبادان و پُرونق بادغیس به وجود آورد، زیرا این ناحیه بر سر راه استراتژیک هرات به مرو قرار داشت و هدف از ساختن آن‌ها امنیت بخشیدن به راه‌ها بود (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

سیاست تمرکزگرایی ساسانیان مستلزم دسترسی سریع و آسان به نقاط مختلف امپراتوری بود و به همین دلیل برای عبور از راه نصبین به حلوان از شمال آدیابنه، «شاپور اول» شهر پیروزشاپور را بازسازی کرد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۶). او شهر بزرگ دیگری در کنار راه شوش به فارس بازسازی و نام آن را «ویه آنتیوخ شاپور» گذاشت (شهرستان‌های ایران‌شهر، ۱۳۸۸: ۸۴). اهمیت این شهر که با نام عربی اش جندی شاپور شناخته شده‌تر است، زمانی بالا گرفت که اردشیر اول، پلی بر رودخانه دز ساخت و این امر رفت و آمد از این شهر به استان «ماه» و دو شهر «ماسبدان» و «مهرگان کدک» را تسهیل کرد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

هم‌زمان با توسعه و گسترش شهرها و مسیرهای ارتباطی، حراست از آن‌ها نیز امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در این حالت، حکومت‌ها به مثابه شبکه دستیابی به منابع تفسیر می‌شوند که در آن مناطق و مرزهای آن‌ها به طور انتخابی دفاع می‌شوند (Smith, 2005: 835)، (تصویر ۱). شاپور اول به منظور دفاع از مرزهای کشور در برابر تهاجم قبایل عرب و جابه‌جایی سپاهیان در مرزهای غربی و همچنین نظارت بر راه‌های بازرگانی، حیره را بنا کرد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۲). خطر بالقوه اعراب، ساسانیان را مجبور ساخته بود تا یک خط دفاعی شامل قلعه‌های کوچک نظامی به وجود آورند که بر نقاط مهمی از شبکه ارتباطی نظارت می‌کردند (Howard-Johnston, 2012: 97-98)؛ همچنین شهر خنی شاپور در نزدیکی کرکوک امروزی توسط شاپور برای تقویت خط دفاعی در برابر رومیان بنا شد (طبری، ۱۳۸۳: ۶۰۱).

بازسازی راه‌ها و پل‌ها به منظور تسلط کامل دولت ساسانی بر شبکه شهری حائز اهمیت بوده است. در مرکز ایران‌شهر، شاپور اول، شهر بیشاپور در استان فارس را بنا می‌کند (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۶). احتمالاً در این شهر اسرای رومی در بازسازی راه‌های ارتباطی از جمله بازسازی جاده قدیمی



تصویر ۱. امپراتوری به عنوان یک شبکه شهری (Smith, 2007: 30).

که از راه دروازه‌های پارس به خوزستان می‌رسید، شرکت داشتند (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۴). همچنین آن‌ها پلی را روی رودخانه شوشتر مهندسی کردند (یعقوبی، ج. ۱، ۱۳۸۲: ۱۹۵). افزون بر مسیرهای ذکر شده، بیشاپور در میان راه دو شهر بزرگ دوره ساسانی، یعنی اردشیرخوره و شوش قراردادت و جاده‌ای دیگر آن را به شیراز متصل می‌کرد (گروسی، ۱۳۸۸: ۱۸)، (تصویر ۲)؛ با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان «شاهنشاهی ساسانی» را به عنوان یک «امپراتوری شبکه‌ای» در نظر گرفت. در مدل امپراتوری شبکه‌ای، سرزمین‌ها از یک شبکه راهرویی تشکیل شده‌اند که گره‌های جذاب منابع یا همان شهرها را به هم پیوند می‌دهند (Smith, 2007: 29). آن چه در پی می‌آید، شواهد بیشتری را در این مورد آشکار می‌سازد.



تصویر ۲. موقعیت شهر بیشاپور (Brosius, 2006: 171).

همراه با سایر نقاط امپراتوری، شاپور از شرق کشور نیز غافل نماند. بنای شهر نیشابور در خراسان در برخی منابع به شاپور اول نسبت داده شده است (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۴۴۹). استراتژی ساسانیان، تمرکز حداکثر نیرو در محل‌های نگه‌داری بزرگ، قوی و دارای برج و بارو بود و نیشابور از دژهای قدرتمند ساسانی در پشت کوه بینالود، نظارت بر مسیر نسبتاً باریک بین کوه‌ها و صحرای داخلی را به سمت جنوب کشور بر عهده داشت (Howard-Johnston, 2012: 98-99). نیشابور، پایگاه اصلی برای مقابله با حملاتی بود که از آسیای مرکزی و مناطق تورانی صورت می‌گرفت و محل تجمع سواره‌نظام زبده ساسانی بوده است (فرخ، ۱۳۹۲: ۸۹).

همچنین شرق کشور محل عبور مسیرهای مهم تجاری، از جمله جاده ابریشم بود که از شهرهای ساسانی عبور می‌کرد و نقش قابل توجهی در مبادلات تجاری دولت ساسانی داشت. شاهنشاهان ساسانی همواره تلاش می‌کردند تا تسلط خود را بر جاده ابریشم حفظ نمایند تا بدین ترتیب از مزیت رقابتی آن در برابر امپراتوری بیزانس استفاده نماید و این امر موجب روند رو به رشد اقتصاد دولت ساسانی گردید (مرسلپور و فدوی، ۱۳۹۶: ۱۷۳). در اختیار داشتن شهر پوشنگ یا غوریان امروزی، تسلط ساسانیان بر دره هری رود را نشان می‌دهد که پس از شکست «پیروز» از «هپتالیان»، کنترل ساسانیان بر این نواحی از دست رفته، ولی پس از پیش‌روی «خسرو اول» تا طالقان، هرات بار دیگر تحت سلطه ساسانیان درآمد (Christensen, 2016: 197). شرقی‌ترین شهرها، یعنی شاپورگان و انبار در امتداد جاده‌هایی بودند که از طالقان به بلخ می‌آمد و احتمالاً در سده‌های سوم یا چهارم میلادی ساخته شدند تا افزون بر نظارت ساسانیان بر راه‌های بازرگانی آسیای میانه، جریان بازرگانی را به غرب هدایت نمایند و همچنین آن‌ها از طریق کابل و پیشاور راه‌های بازرگانی را که از طریق تنگه خیبر به هند می‌رفت کنترل می‌کردند و ساسانیان به منظور تقویت موقعیت خود شهر کوشانی کاپیسه را ویران و احتمالاً در نزدیکی آن یا جلال‌آباد شهر جاویدشاپور را ساختند (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۹-۱۷۸). در واقع، داشتن استحکامات دفاعی پیشرفته و سربازخانه‌های بزرگ، ویژگی اصلی شهرهای ساسانی بودند که بر سر راه‌های استراتژیک بنا می‌شدند تا مانع از نفوذ دشمنان به داخل کشور شوند (هاوارد-جانستون، ۱۳۹۲: ۱۵۹) و بدین‌گونه ارتباط بین نقاط مختلف امپراتوری حفظ و نگه‌داری می‌شد.

ایجاد شهرها و قلعه‌های بی‌شمار که تراکم آن‌ها در سراسر شاهنشاهی ساسانی چشمگیر بود، به عنوان نقاط اتصال شبکه شاهنشاهی ساسانی عمل می‌کرد، به گونه‌ای که تنها در مدائن، شش مرکز شهری شناسایی شده است (Smith, 2005: 840)، (تصویر ۳). توسعه مراکز شهری ساسانیان را می‌توان از فهرست کاملی از مقامات، مانند «شهربها» و «صاحب‌منصبان» مختلف در کتیبه پایکولی شاهنشاه «نرسه» استنباط کرد (Shaki, 1992: 655). «شاپور دوم» حفظ و دفاع از این شبکه شهری امپراتوری را امری ضروری می‌دانست. او رشته‌ای از استحکامات را در کران بیابان ساخت که به «خندق شاپور» معروف بود (فرای، ۱۳۹۲: ۲۳۸). این موانع، نه تنها جنبه دفاعی داشتند، بلکه باعث افزایش نظارت ساسانیان بر محل‌های استراتژیک شدند.

اقدامات مشابهی توسط شاپور دوم در شمال کشور انجام گرفت؛ بنای دیوار معروف «در بند»، دست‌کم نتیجه تلاش‌های او در ساختن استحکاماتی در شمال بوده است (فرای، ۱۳۹۲: ۲۳۸). افزون بر آن، بنای شهر سوق الجیشی «قزوبین» به منظور تقویت خطوط دفاعی شمال را به شاپور دوم نسبت می‌دهند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۴). در شمال، نقش مشابهی توسط «دوین»، پایتخت ارمنستان ساسانی، واقع در بزرگ‌ترین دشت در دره ارس ایفا می‌شد و این شهر مسیر به سمت پایین رودخانه و دسترسی به دشت را مسدود می‌کرد یا ترجیحاً، پس از ورود نیروی مهاجم به داخل می‌توانست آن‌ها را به دام اندازد (Howard-Johnston, 2012: 99).



تصویر ۳. تمرکز مراکز شهری و ارتباط آن‌ها در اطراف تیسفون (Smith, 2005: 842).

حفظ و کنترل قلمرو توسط سرمایه‌گذاری‌های مختلفی، مانند ساخت سازه‌های دفاعی صورت می‌گرفت که دفاع از مرزها و امنیت شبکه راه‌ها و نظارت بر جابه‌جایی مردم را برقرار می‌ساخت و بدین ترتیب، ساسانیان منابع مهم نیروی انسانی و کشاورزی را کنترل می‌کردند (Smith, 2005: 841). تلاش‌های ساسانیان برای تمرکز بخشیدن به قدرت و دسترسی هرچه سریع‌تر به مناطق مختلف امپراتوری همچنان در سده‌های پنجم و ششم میلادی نیز ادامه دارد. پیروز شاهنشاه ساسانی که بیشتر سال‌های پادشاهی خود را صرف آرام ساختن مرزهای کشور به خصوص در شرق و نبرد با هپتالیان کرد، شهرها و استحکاماتی را برای حفاظت از مرزهای شرقی برآورد؛ از جمله نزدیک گرگان شهری ساخت با نام «روشن فیروز» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۷۵). او در ناحیه جنوبی دریای خزر و ری کنونی احتمالاً برای کنترل بیشتر بر مناطق دیلمی، شهری با نام «رام فیروز» ساخت (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۷۱). در شمال بغداد نیز به منظور حفاظت بیشتر از پایتخت، شهر کرخ فیروز و بناهای مستحکم برآورد (Christensen, 2016: 69). همچنین برای امنیت بخشیدن به مرزهای شمالی در کرانه غربی دریای کاسپین و در ناحیه آذربایجان شهری با نام «شهرام پیروز» پی افکند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۷۱).

«قباد اول» پس از صلح با «قیصر روم» و دفع مهاجمان از مرزهای قفقاز، شهر «پرتو» را تبدیل به دژی مستحکم کرد و آن را «پیروز قباد» نامید تا مانع از تهاجمات بعدی آنان شود (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۴۷۱). او برای تقویت نیروی دفاعی مقابل هجوم خزرها که گاهی تا شهر دینور را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دادند، چند شهر را با نام‌های «بیلقان»، «بردعه» و «خزر» در این ناحیه

بنا کرد و بین سرزمین «شروان» و «باب‌اللان» را با دیواری از خشت استوار ساخت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۲۸۰). در ناحیه استان «بلاسگان»^۲ که از گیلان تا دربند را شامل می‌شد، تهدیدات جدی «هون‌ها»، قباد را بر آن داشت تا پیروزقباد را با برج و باروهای مستحکم استوار سازد و این شهرزمینه‌ای را برای استحکامات بزرگی که خسرو اول در دربند برپا کرد، به‌وجود آورد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۱). این موضوع نشان می‌دهد که تأمین امنیت و حفظ شبکه ارتباطی شهرها همواره یکی از دغدغه‌های شاهان ساسانی در مقابل اقوام مهاجم بوده است و اهمیت این شبکه را خاطر نشان می‌سازد. در اغلب مواقع، امنیت سرزمین‌های داخلی قلمرو ساسانی توسط نیروهای پادگان، تحت پشتیبانی یک نیروی ذخیره سیار، تأمین می‌شد و در شهرهای مرزی تلاش‌هایی صورت‌گرفت تا منطقه نظامی در پشت مرز تقویت شود؛ خواه با ساخت یک سنگر بزرگ پشتیبانی‌کننده، برای مثال «نیشاپور»؛ خواه با ایجاد شبکه‌ای از قلعه‌های کوچک‌تر برای جلوگیری از پراکندگی دشمن و محدود کردن خسارات، مانند منطقه «فرات» یا دره «هیرمند»؛ و خواه با توسعه خطوط ذخیره دفاعی، برای مهار نیروهایی که ممکن بود، استحکامات را بشکنند، مانند دیوارهای «دربند» و «گرگان» (Howard-Johnston, 2012: 104). در زمان «خسرو انوشیروان» دو شهر دیگر نیز در مسیر راهی قدیمی و بسیار مهم بنا شد. این راه از پایتخت، یعنی «تیسفون» به استان «ماه» در «ماد» قدیم می‌رسید و برای جابه‌جایی سپاهیان، کارمندان دولت و درباریان و حتی ابریشم بسیار مفید بوده که از «خسرو شاد هرمز» آغاز شده و به شهری با نام «بازیگان خسرو» می‌رسید (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۳). در پایان دوره ساسانیان، کمربندی متشکل از اقامتگاه‌های دفاعی ایرانیان در پایگاه‌های «قادسیه» و در شهرهای پادگانی «حیره»، «انبار»، و «سنجار» به‌وجود آمده بود (Morony, 1984: 182).

مطالب بیان شده نشان می‌دهد که ساسانیان شبکه امپراتوری خود را از طریق ایجاد پیوندهای هدفمند، مانند: جاده‌ها، پل‌ها، کانال‌ها و... بین مراکز جمعیتی و یا ایجاد یک نقطه اتصال جدید که همان تأسیس شهرها بود گسترش می‌دادند (Smith, 2005: 841)؛ سپس آن‌ها با استفاده از پادگان‌های پشتیبانی و استحکاماتی نظیر دیوارها و برج‌وباروها به حفظ و دفاع از شهرها می‌پرداختند. درواقع با درنظر گرفتن چنین مدلی، مفهوم دیوارهای محیط و دژهای شهری را می‌توان بهتر تصویرسازی و درک کرد؛ زیرا دشمنان هنگام فتح، تنها بر تصرف شهر تمرکز داشتند و از محیط اطراف غافل بوده‌اند و بدین سبب بود که شهرها درون دیوارها و دژها محصور بوده، زیرا پس از تصرف شهر، دشمن می‌توانست یکی از نقاط اتصال شبکه را در اختیار بگیرد و ارتباط آن‌ها را با شبکه قطع کند و دیگر زمین‌های اطراف آن چندان اهمیتی نداشت، مگر در قطع کردن نقاط دسترسی و جاده‌ها.

اختلال در شبکه شهری و فتوحات اعراب

آغاز تهاجم اعراب از ناحیه جنوب «آسورستان» یا همان «عراق» امروزی بود که اعراب مرتباً به مرزهای این ایالت دست‌اندازی می‌کردند. پس از برتخت نشستن «یزدگرد سوم»، با پیشرفت تدریجی آن‌ها در خاک ایران انگیزه‌هایشان برای تصرف مناطق بیشتر، افزایش یافت (طبری، ۱۳۸۳: ۱۵۸۸-۱۵۸۷). یزدگرد سوم به کمک «رستم فرخزاد»، به سروسامان دادن اوضاع پرداخت و سپاهیان مستقر در پادگان‌ها و شهرهای مرزی نظیر حیره، انبار و ابله را سازماندهی و از آن‌ها برای مقابله با اعراب بهره‌گرفت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۳۴۷).

حیره، یکی از این نقاط استراتژیک بود که در محدوده دو استان «بهقباد میانه» و «بهقباد پایین»، به‌عنوان دژی در مقابل دست‌اندازی‌های اعراب بیابانگرد به‌کار می‌رفت؛ ازسوی دیگر، برای اعرابی که از سمت بیابان به مرزهای غربی ایران می‌تاختند، کلید فتح آسورستان و پایتخت

ساسانیان بود (Frye, 1977: 55). افزون بر حیره، شهرهایی نظیر انبار، قادسیه و خورنق، در مقابل هجوم اعراب نقشی کلیدی داشتند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۳۷). البته حیره و انبار شاخص تر بوده‌اند، زیرا حیره افزون بر نقش دفاعی از مرزهای غربی کشور، در مجاورت پایتخت قرار گرفته بود و نیازهای حیره به وسیله انبارهای آذوقه و مهمات شهر انبار مرتفع می‌شد (محمدی ملایری، ج. ۱، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

سیر فتوحات اعراب نشان می‌دهد که آن‌ها نیز از اهمیت این شهرها غافل نمانده، راه خود را برای دستیابی به پایتخت، در فتح این شهرها دیدند. چنددستگی سیاسی در تیسفون و هم‌زمانی آن با رویدادهای فتح حیره مانع از آن شد تا ایرانیان به اقدام جدی بر علیه سپاه اعراب دست‌زنند و آن‌ها مناطق میان حیره تا دجله را به راحتی از دست دادند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲۸۱) و راه تصرف دیگر شهرهایی که دفاع از آن‌ها بر عهده حیره بود، برای اعراب باز شد (محمدی ملایری، ج. ۲، ۱۳۷۹: ۳۶۷).

پس از فتح حیره، لازم بود تا اعراب جایگاه خود را در این منطقه تثبیت کنند؛ بدین منظور، آن‌ها تصرف شهر «ابله» را هدف قرار دادند. اهمیت شهر ابله از دو جهت بود؛ یکی، این‌که در رأس خلیج فارس قرار گرفته بود و از آنجا به سوی بحرین، عمان، هند و چین حمل می‌شد، بنابراین برای دولت ساسانی اهمیت اقتصادی داشت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۷۹). دو، دیگر آن‌که ابله به عنوان یکی از مستحکم‌ترین و مجهزترین پایگاه‌های ایران به شمار می‌رفت و نیروهای نظامی در آن شهر در دو جبهه دریایی و زمینی با متجاوزان پیکار می‌کردند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۴۸۵). اعراب که به خوبی به نقش و اهمیت نظامی ابله آگاه بودند، برای جلوگیری از محاصره سپاهیان خود توسط ایرانیان به آنجا هجوم آورده، با این عمل راه امدادسانی دیگر شهرها مانند اهواز و فارس را به حیره مسدود کردند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۷۸). پس از ابله، تصرف «مذار» با هدف مسدود کردن راه آبی پایتخت بوده است. قایق‌ها می‌توانستند از طریق کانال مذار و پس از طی مسیر شرقی دجله، راهی تیسفون شوند (Simpson, 2016: 42)؛ بدین ترتیب، با فتح شهرهای مهم نظامی مانند ابله و حیره، عملاً راه فتح تیسفون بر روی اعراب گشوده شد و امکان کمک‌رسانی از فلات ایران به سمت تیسفون تا حد نسبتاً زیادی غیرممکن شد؛ زیرا تنها راه زمینی که از کوهستان‌های دشوار زاگرس می‌گذشت، باقی‌مانده بود و راه‌های آبی به سمت پایتخت از طریق ابله مسدود ماند.

هدف بعدی اعراب در راه رسیدن به پایتخت، شهر انبار بود. نیروهای مستقر در انبار، وظیفه محافظت از «نهرالملک» را برعهده داشت که در بالای پایتخت به دجله متصل می‌شد (Howard- Johnston, 2012: 100). به نظر می‌رسد مکان شهر به خوبی توسط بنیان‌گذار آن، شاپور اول سنجدیده شده است. این شهر بر سر دو راه اصلی واقع شده بود؛ یکی، راه زمینی که از طریق آن به تیسفون و جاده خراسان متصل می‌شد، و دیگری، همان راه آبی که از طریق آن به خلیج فارس و آب‌های آزاد راه داشت (محمدی ملایری، ج. ۱، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

نبرد انبار با پیروزی اعراب به پایان رسید و به نظر می‌رسد دو رویداد در کامیابی اعراب بی‌تأثیر نبوده است؛ یکی، این‌که سپاهیان اسلام قبلاً مناطق اطراف را از برج‌ها و دژهای نظامی به منظور اطمینان از پشت سر خود پاکسازی کرده بودند، و دیگر، این‌که اعراب مسیحی منطقه نیز به کمک مسلمانان در منطقه می‌جنگیدند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۶۳-۳۶۰). یزدگرد سوم پس از سقوط انبار به منظور دست‌یازیدن به اقدامی جدی علیه اعراب، سپاهانی را در قادسیه بسیج کرد. قادسیه از مناطق مهم نظامی حیره بود که تجهیزات نظامی و پادگان‌های متعدد در آنجا متمرکز شده بود، ولی همان‌گونه که ذکر شد تا آن زمان این پادگان‌ها همگی از نیروی نظامی خالی شده بود و تجهیزات و سلاح‌های آنان همگی به دست اعراب افتاد (طبری، ۱۳۸۳: ۱۶۴۶)؛ ازسوی دیگر، مدتی که مسلمانان در قادسیه اردو زده بودند، تدارک لازم برای جنگجویان قادسیه از طریق انبار

تأمین می‌شد (طبری، ۱۳۸۳: ۱۶۴۹)؛ سرانجام نبرد قادسیه نیز در سال ۱۶ هـ.ق. به سود مسلمانان پایان یافت (طبری، ۱۳۸۳: ۱۷۴۱). پس از نبرد قادسیه، عملاً فتح تیسفون برای اعراب میسر گشت. ایرانیان پل‌های ارتباطی تیسفون را با مشرق دجله بریده و در شهر متمرکز می‌شوند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۰۳)؛ مقاومت ایرانیان در آنجا نیز شکسته می‌شود. تمرکز و هجوم سپاهیان عرب به این شهر برای حمله به سایر نقاط ایران افزایش یافت و کشاورزان و دهقانان منطقه به بازسازی راه‌ها و پل‌ها پرداختند و وظیفه راهنمایی و پذیرایی از سپاهیان مسلمان را برعهده گرفتند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۳۶). تردیدی وجود ندارد که فتوحات در جنوب عراق به دلیل خطوط ارتباطی داخلی که مسلمانان از آن‌ها بهره‌مند گردیدند، آسان بوده است (Donner, 1981: 269).

احتمالاً یکی از دلایلی که باعث شد ایرانیان پس از نبرد قادسیه به سمت «جلولا» عقب‌نشینی نمایند، افزون‌بر قرارگرفتن آن بر شاهراه خراسان به مدائن، رونق و آبادانی آنجا بود که کار لشکرکشی را تسهیل می‌نمود (محمدی‌ملایری، ج. ۲، ۱۳۷۹: ۲۸۷). نبرد جلولا، نه ماه پس از جنگ قادسیه در سال ۱۶ هـ.ق. ۶۳۷ م. روی داد و پس از آن، یزدگرد سوم به سمت جبال عقب نشست (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۳۷-۱۸۳۶). پس از نبرد جلولا، راه‌های دسترسی به گذرگاه‌های زاگرس و رسیدن به فلات مرکزی ایران در اختیار اعراب قرارگرفت و آن‌ها در تعقیب ایرانیان (طبری، ۱۳۸۳: ۱۸۳۱) به سمت خانقین در هفت فرسخی جلولا حرکت کردند که جزو مسیری بود که پایتخت ساسانی را به «حلوان» متصل می‌ساخت (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۳).

دور انتظار نبود که اعراب برای رسیدن به فلات مرکزی ایران، ابتدا شهر حلوان و سپس کرمانشاه را تصرف نمایند. سقوط دو شهر اخیر، فتح ماد باستانی را تسهیل کرد. یکی از نبردهای اصلی در نهبوند رخ‌داد که احتمالاً یکی از خزانه‌های مهم سلطنتی در آنجا قرار داشت و دارای اهمیتی سیاسی بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۴۲۲). شاید به این دلیل، به‌عنوان محلی برای گردآوری لشکریان علیه اعراب انتخاب شد. درواقع، قلمرو سپاهیان چهارگانه امپراتوری در غرب فلات و سرزمین ماد به یکدیگر پیوند می‌خورد و در اینجا گذرگاه‌های باریک با زمین‌های چراگاهی و سرسبز گسترده، آن‌را به مکان مناسبی برای تجمع سپاهیان و تبدیل آن‌ها به یک نیروی واحد تبدیل کرده بود (Howard-Johnston, 2012: 126). اعراب برای جلوگیری از پشتیبانی ایرانیان از طریق خوزستان و اصفهان، در مرزهای آنجا حضور یافتند و مسیرهای دسترسی به نهبوند را از این طریق مسدود کردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۵۱۰). پس از نبرد نهبوند، راه فتح شهرهای مرکزی ایران شهر به سوی اعراب گشوده شد. راه‌هایی که زمانی برای گسترش سلطه ساسانیان بر شهرهای ایران شهر مورد استفاده قرار می‌گرفت، توسط اعراب برای جابه‌جایی سپاهیان به‌کار گرفته شدند.

مسیر فتح بعدی اعراب از قزوین می‌گذشت؛ مکان شهر قزوین در مرز با سرزمین «دیلم» به آن موقعیتی ویژه بخشیده بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۶). قرارگرفتن آن بر سر راه‌هایی که به سوی آذربایجان، ری، همدان و دیلم می‌رفت آن‌جا را دارای اهمیتی اقتصادی و نظامی برای حکومت اقتدارگرای ساسانی کرده بود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۴). شاهراه اصلی آذربایجان نیز که آنجا را به ماد و همدان متصل می‌کرد، پس از حمله هراکلیوس به یک راه نظامی تبدیل شد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۸). ظاهراً سال‌ها بعد همین مسیر مورد استفاده اعراب قرار گرفته است. پس از تصرف قزوین، آنجا به پایگاهی برای اعزام سپاهیان عرب به سمت شهرهای شمالی و غربی ایران تبدیل شد و توانستند شهر زنجان را نیز که در آن زمان شهرستان کوچکی بود، ولی به دلیل قرارگرفتن بر سر راه ری و آذربایجان اهمیتی خاص داشت، تصرف کنند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۴) و با اطمینان خاطر از جبهه‌های پشت‌سر خود، عملاً راه فتح ری بر آن‌ها هموار شد. راهی که از سمت قزوین به ری امتداد داشت (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۶)، برای جابه‌جایی سپاه اعراب به‌کار گرفته شد و آن‌ها به سوی قم حرکت کردند. قم، احتمالاً از دوره قباد به‌بعد، به‌عنوان یک پاسگاه مستحکم در حاشیه

بیابان و برای تأمین امنیت جاده‌ری به یزد بوده است (برونر، ۱۳۹۳: ۱۷۴). با تصرف قم، مسیر کمک‌رسانی شهرهای شمالی به اصفهان و جنوب فلات ایران مسدود گردید. قطع ارتباط خراسان با شهرهای مرکزی ایران پس از فتح ری صورت گرفت؛ ری، گذرگاه حیاتی بود که شهرهای بزرگ غرب را به خراسان ارتباط می‌داد (Nicolle, 1996: 12).

روایت «طبری» درباره‌ی مشورت «عمر» با «هرمزان» در مورد هجوم به سمت اصفهان، آذربایجان یا فارس نشان از این امر دارد که اعراب به نحوه‌ی ارتباط شهرها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در این روایت، هرمزان، اصفهان را به «سر» و آذربایجان و فارس را به دو «بال» یک پرنده تشبیه می‌کند که اگر سر قطع شود، دو بال نیز از کار خواهند افتاد که احتمالاً منظورش اهمیت اصفهان در شبکه‌ی ارتباطی شهرهای ساسانی و قطع ارتباط آن با سایر شهرها بوده است (طبری، ۱۳۸۳: ۱۹۶۶). می‌توان گفت اصفهان از نخستین اهداف برای فاتحان عرب بعد از جنگ نهاوند بود که کوشش فراوانی نیز برای تصرف آنجا انجام داده‌اند (Frye, 1977: 11-12). اصفهان به دلیل قرارگرفتن در میان سه ایالت خراسان، فارس و خوزستان از موقعیت ویژه‌ی اقتصادی برخوردار بوده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۰-۱۰۶)؛ در واقع، اصفهان به نوعی بارانداز و مرکز حمل‌ونقل به نواحی مختلف امپراتوری ساسانی بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۵)؛ بنابراین با فتح اصفهان، علاوه بر بهره‌مند شدن از مزایای اقتصادی، نقطه‌ی اتصال مرکزی شبکه‌ی شهرهای ساسانی در اختیار اعراب قرارگرفت. بیان «زرین‌کوب» درباره‌ی -قلب پریشان امپراتوری ساسانی-، شاید زیباترین تشبیه برای شبکه‌ی شهرهای ساسانی باشد که توسط رخنه‌آرام و تدریجی، اما منظم اعراب شکافته شد (زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ۲۳).

در شاهنشاهی ساسانی، «فارس» سرزمین اصلی و مهم قسمت جنوبی فلات ایران بود، به گونه‌ای که به گفته‌ی «یعقوبی»، سپاهبد جنوب لقب «اسپهبد فارس» را داشت (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۶۳). در زمان حمله‌ی اعراب، استخر مرکز فارس به شمار می‌رفت. این شهر همانند چهارراهی بود که سواحل خلیج فارس را به ایالات خراسان، اصفهان و خوزستان پیوند می‌داد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۳)، (تصویر ۴). اعراب قبل از حمله توانسته بودند با تصرف شهر «بیضا»، راه تأمین غله و آذوقه‌ی استخر را مسدود نمایند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۲). به دلیل نقش مرکزی این شهر در اقتصاد، سیاست و دین، سقوطش ضربه‌ی جبران‌ناپذیری برای مقاومت ایالت فارس داشت (Miri, 2012: 103).

نکته‌ای که در فتح فارس به چشم می‌خورد، تهاجم هم‌زمان اعراب به سوی چند شهر مختلف به منظور تصرف تقاطع‌های حیاتی فارس بود. هنگامی که سپاهیان فارس به فرماندهی شهرک برای مقابله با اعراب در «توج» گرد آمده بودند، مسلمانان برای مقابله با آن‌ها به شهر توج وارد نشدند و هرکدام از سرداران عرب به طور جداگانه به سمت شهرهای مختلف ایالت حرکت کردند؛ به عنوان مثال، «عثمان بن ابی‌العاص» به سوی استخر، «مجاشع بن مسعود ثقفی» به سوی توج و اردشیرخوره رفت (بلغمی، ۱۳۶۶: ۵۴۲). مسلماً با این روش شکست نیروهای جداگانه ایرانی برای اعراب آسان‌تر بوده است تا یک لشکر متحد و با این روش منابع انسانی و مالی ایرانیان نیز در جبهه‌های مختلف تحلیل می‌رفت.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که مطلوبیت شهرهای فارس برای اعراب نقش ارتباطی آن‌ها بوده است. اردشیرخوره، توزیع کالا را به مکان‌های دیگر در داخل و خارج از فارس تنظیم می‌کرد که نشانه‌ی روشنی از اهمیت تجاری این شهر است (Miri, 2012: 103-104). «اژجان» به عنوان بارانداز کالاهای خوزستان و آسورستان و اصفهان عمل می‌کرد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۴). در واقع، اژجان به منظور تأمین امنیت راه‌های حمل‌ونقلی که در دو سوی رودخانه «طاب» قرار داشت، تأسیس شده بود و پس از فتح، در دوران اسلامی نیز به عنوان یک چهارراه مهم ارتباطی بود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۹۱). این اطلاعات به احتمال مدنظر مهاجمین قرارگرفته یا شاید توسط یاران ایرانی ایشان در نظرشان برجسته شده است. تسلیم شدن و متحدشدن ایرانیان با سپاه اعراب



تصویر ۴. موقعیت شهرها و شبکه شهری ایالت فارس (Miri, 2012: 131).

سرعت پیشروی مهاجمان را دو چندان کرد؛ زیرا آن‌ها علاوه بر شناسایی مناطق و پادگان‌های مهم از نظر نظامی، به مسیرها و اوضاع شهرها به خوبی آشنا بوده‌اند و راهنمای خوبی برای اعراب به منظور استفاده حداکثری از شرایط و غنائم جنگی بودند (موحد، ۱۳۹۸: ۸۷). استان «دارابگرد» نیز دارای دو شهر عمده به نام‌های «دارابگرد» و «فسا» بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۴). حدود این استان ظاهراً تا سواحل کرمان می‌رسید (برونر، ۱۳۹۳: ۱۵۳)؛ بنابراین، اعراب توانستند با تصرف آنجا به راحتی تا کرمان پیش‌روی نمایند. این درحالی بود که پس از فتح جبال و فارس مسیرهای تدارکاتی کرمان از غرب و شمال مسدود گردید و کویر لوت در شرق، رساندن تدارکات را با دشواری مواجه می‌ساخت.

در آن زمان «سیرجان» مرکز ایالت کرمان بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۵). این شهر به وسیله شاهراهی به استان فارس متصل بود که بنای آن را به یکی از کوشانشاهان ساسانی نسبت می‌دهند (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۱). مسیرها و راه‌های ارتباطی، بازگانی کرمان را بیشتر به دو ایالت فارس و جبال مرتبط ساخته بود (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۰). «جیرفت» نیز مرکز نیمه جنوبی ایالت کرمان بود که تا سواحل دریای فارس را شامل می‌شد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۳۶). این شهر در مسیر شاهراهی قرار داشت که از ناحیه مرکزی کرمان می‌گذشت (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۱). «مجاشع بن مسعود» پس از فتح جیرفت، در ایالت کرمان شروع به پیش‌روی سربازان عرب به سمت شرق را سرعت بخشیدند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۳۶). به نظر می‌رسد که اعراب از طریق «نرمانشیر» که در کنار کویر سیستان قرار داشت به آن سو رفته‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۱). این شهر در نیمه راه «بم» و «پهرگ» قرار داشت که راهی از آن به سیستان و جنوب زرنگ می‌رسید (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۳۵). این شهر نقطه اتصال کرمان با زرنگ در سیستان بود.

راه‌های ارتباطی ایالت سیستان با سایر ایالات از زرنگ می‌گذشت و از آنجا سه راه اصلی وجود داشت؛ راه جنوب غربی آن به پهرگ و کرمان، راه دیگری به جبال که هر دوی آن‌ها توسط اعراب مسدود شده بودند، و در نهایت، راه شمال شرقی آن که در نهایت به «طخارستان» می‌رسید (برونر، ۱۳۹۳: ۱۸۳). سیستان از طریق شاهراهی که از زرنگ به «کرکویه» تا «بُست» و از آنجا به هرات می‌رفت با خراسان ارتباط داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۸)؛ بنابراین، لازم بود تا با فتح زرنگ، راه

ارتباطی آنجا با خراسان نیز مسدود شود. با این عمل، یزدگرد سوم در خراسان به نوعی در محاصره قرار گرفت؛ زیرا تأمین نیرو برای مقابله با اعراب از سرزمین‌های ماوراءالنهر نیز با توجه به روند ترکی شدن آن‌ها از اوایل سال ۴۰۰ م. امکان‌پذیر نبود، وگرنه این مناطق از پایگاه‌های تأمین نیروی سپاهی ایران به‌عنوان نیروهای پشتیبانی بوده‌اند (فرخ، ۱۳۹۲: ۹۲).

آخرین سنگر برای دفاع از امپراتوری و سلطنت ساسانیان، شهر «مرو» بود؛ این شهر به‌عنوان مرکز نظامی ساسانیان در مرز با سرزمین‌های ماوراءالنهر از اهمیت نظامی خاصی برخوردار بود (Frye, 1977: 30). شهر مرو، درواقع سنگر بیرونی قدرت ساسانیان و محل فرماندهی ناظر بر راه‌های منتهی به خراسان از آن‌سوی جیحون و یک پایگاه عظیم تسلیحاتی بود (Howard-Johnston, 2012: 98). استحکام و موقعیت ویژه نظامی مرو بود که یزدگرد را برای احیاء سلطنت از دست رفته خویش بدانجا کشاند. قبل از رفتن یزدگرد سوم به سوی مرو، بر اعراب واجب بود تا پایگاه پشتیبانی آنجا، یعنی «نیشابور» تصرف شود؛ این شهر، یکی از دژهای مستحکم ساسانیان بود که افزون بر پشتیبانی از مرو، وظیفه دفاع از مسیر باریک بین رشته‌کوه‌ها و کویر داخلی را برعهده داشت که به سمت غرب و داخل فلات ایران امتداد داشت (Howard-Johnston, 2012: 99). روایت طبری، فتح نیشابور را از جانب کرمان می‌داند که در آن سپاه «عبداله بن عامر» از سمت دو طیس/طبسین به نیشابور رسید (طبری، ۱۳۸۳: ۲۱۵۶). با تضعیف توان دفاعی مرو و به‌دنبال آن، مرگ یزدگرد سوم و صلح حاکم مرو با اعراب، سقوط سلسله ساسانی در آنجا رقم خورد.

نتیجه‌گیری

کسب مشروعیت و گسترش سلطه سیاسی از مهم‌ترین دغدغه‌های شاهنشاهان ساسانی بوده، که بنا کردن و گسترش شهرها را یکی از روش‌های دستیابی به آن‌ها می‌دانستند. همان‌گونه که در سطرهای پیشین ذکر آن گذشت، ساسانیان توانسته بودند با توسعه مراکز شهری و راه‌ها، سلطه خود را بر سراسر امپراتوری خویش گسترش داده و با ایجاد پایگاه‌هایی در نقاط استراتژیک، به حفظ و حراست آن همت گمارند. در نتیجه این سیاست، شبکه گسترده‌ای از شهرها و مسیرها به‌وجود آمد که سوای تسهیل رفت‌وآمد و رونق بخشیدن به تجارت، تدارکات نظامی را نیز سرعت بخشید. در این میان، برخی شهرها از لحاظ سیاسی و اقتصادی از دیگر شهرها برجسته‌تر شده و تأمین و پشتیبانی نظامی و اقتصادی شهرهای اطراف را عهده‌دار شدند. شهرهایی نظیر نیشابور در خراسان یا استخر در فارس به‌همراه انبار در میان‌رودان از این قبیل بودند؛ ازسوی دیگر، شهرهایی به‌عنوان نقاط اتصال و چهارراه ارتباطی این شبکه شهری عمل می‌نمودند که گاهی اوقات در صورت حذف از این شبکه، به‌طور هم‌زمان مسیرهای ارتباطی چند ایالت از دسترس و کنترل دولت مرکزی خارج می‌شد. شهرهایی مانند اصفهان یا قزوین به‌همراه ابله از این دست بودند. چنین روابطی باعث شده بود که با سقوط یک شهر، سایر شهرهای ایالت نیز شانس چندانی برای مقاومت نداشته باشند؛ برای مثال، فتح شهرهای ایالات آسورستان و فارس پس از سقوط حیره و استخر این‌گونه بوده است. بنابراین، هرگونه اختلال در ارتباط این شبکه می‌توانست بر عملکرد کل مجموعه تأثیرگذار باشد. با توجه به اهمیت این موضوع بود که ساسانیان سرمایه‌گذاری‌های مختلفی مانند ساخت دیوارها و خندق‌ها را برای حراست و نگه‌داری از شهرها انجام داده بودند. با این اوصاف، هجوم اعراب زمانی رخ داد که آشفتگی سیاسی و جنگ‌های داخلی اواخر دوره ساسانی در کنار آثار مخرب جنگ‌های طولانی با بیزانس موجب تضعیف سپر دفاعی شبکه شهرها شده بود؛ ازسوی دیگر، به‌نظر می‌رسد که اعراب هنگام هجوم به شهرهای ایران، توسط ایرانیانی که به لشکر اعراب پیوستند یا اعراب ساکن ایران به نحوه عملکرد شبکه شهری آگاهی یافته و به‌خوبی مسیرها و نقاط ارتباطی شهرها را شناسایی کرده، با مسدود ساختن راه‌های تدارکاتی و پشتیبانی،

فتح ایرانشهر را تسهیل کردند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نقش شبکه ارتباطی شهرهای ساسانی از دو جهت در فتوحات اعراب چشمگیر بوده است: اول آن‌که، شهرها و مسیرهای بین شهری با تسهیل نمودن تدارکات نظامی، فتوحات اعراب را به‌ویژه در مناطقی مانند میان‌رودان و شرق کشور که تراکم شهرها بسیار بوده، تسریع کرده است. دوم آن‌که، برخی از شهرهای ساسانی که به‌منظور حفظ و حراست شبکه شهری آن‌ها بنا شده بود، مانند قزوین یا نیشابور، توسط اعراب به‌عنوان پایگاهی برای اعزام نیرو به سایر شهرها مورداستفاده قرار گرفت.

پی‌نوشت

1. Partav
2. Balāsgān

کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۳). *الکامل فی التاریخ*. ترجمه سید محمدحسین روحانی، تهران: اساطیر.
- ابن حوقل، محمد بن علی، (۱۳۶۶). *سفرنامه: ایران در صورۃ الارض*. ترجمه جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبیداله بن عبدالله، (۱۳۷۱). *المسالك و الممالک*. ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۴۰). *المسالك و الممالک*. ترجمه فارسی از قرن ۶/۵ هـ.ق.، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانی، حمزه بن حسن، (۱۳۴۶). *سنی ملوک الارض والانبیاء*. ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- برونر، کریستوفر، (۱۳۹۳). «تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد». *تاریخ ایران کمبریج*، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم-قسمت دوم، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، صص: ۱۸۸-۱۴۹.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، (۱۳۹۲). *تاریخ: تکمله و ترجمه تاریخ طبری*. تهران: البرز.
- ثعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد، (۱۳۶۸). *غزر الاخبار الملوک الفرس و سیرهم*. ترجمه محمد فضائلی، تهران: نقره.
- چوکسی، جمشید گرشاسب، (۱۳۹۳). *ستیز و سازش: زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*. ترجمه نادر میرسعیدی، چاپ هفتم، تهران: ققنوس.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۴). «فتح ایران به دست اعراب و پی‌آمد آن». *تاریخ ایران کمبریج*، گردآورنده: ریچارد نلسون فرای، ترجمه حسن انوشه، جلد چهارم، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر، صص: ۵۲-۹.
- سلوود، دیوید، (۱۳۹۲). «دولت‌های کوچک جنوب ایران». *تاریخ ایران کمبریج*، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم - قسمت اول، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، صص: ۴۲۷-۴۰۱.

- شهرستان های ایرانشهر، (۱۳۸۸). آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت ها از: تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۳). تاریخ الزسل و الملوك. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۹۲). «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم - قسمت اول، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، صص: ۲۷۶-۲۱۷.
- فرخ، کاوه، (۱۳۹۲). سواره نظام زبده ساسانی. ترجمه میثم علیی، تهران: امیرکبیر.
- کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کولسنیکف، الی ایوانوویچ، (۱۳۸۹). ایران در آستانه سقوط ساسانیان. ترجمه محمدریفیق یحیایی، تهران: کندوکاو.
- گروسی، رضا، (۱۳۸۸)، پیکره شاپور اول. تهران: ماهی.
- لسترنج، گای، (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادمیر. گ، (۱۳۹۳). «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیاتی و دادوستد». تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم - قسمت دوم، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، صص: ۱۴۸-۷۱.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳). ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- محمدی ملایری، محمد، (۱۳۷۹). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: توس.
- مرسلپور، محسن؛ و فدوی، مرضیه، (۱۳۹۶). «بررسی جایگاه جاده ابریشم در دوره ساسانیان». تاریخ نامه خوارزمی، سال ۵، شماره ۱۸، صص: ۱۶۳-۱۷۵.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موحد، محمد علی، (۱۳۹۸). در کشاکش دین و دولت. چاپ چهارم، تهران: ماهی.
- هاوارد-جانستون، جیمز، (۱۳۹۲). دولت و جامعه در ایران اواخر عهد باستان. ساسانیان. ویراستاران: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- هوف، دیتریش، (۱۳۹۲). ساسانیان: شکل گیری و ایدئولوژی دولت ساسانی از روی شواهد باستان شناختی. ویراستاران: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۵۶). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد اول و دوم، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- یوسفی فر، شهرام، (۱۳۹۰). جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی دوره سلجوقیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Bal'ami, A., (2013). *Tarikh, Completion and translation of Tarikh-e Tabari*. Teharn: Alborz, (In Persian).
- Balādhurī, A. Y., (1988). *Futuh al-Buldān*. Tr.: Mohammad Tavakol, Tehran: Noqreh Publication, (In Persian).
- Brosius, M., (2006). *The Persians*. London & New York: Routledge Taylor & Francis Group.
- Brunner, Ch., (2014). *Geographical and Administrative Division: Settlements and Economy*. Edited by: Ehsan Yarshater, The Cambridge History of Iran. tr. Hasan Anousheh, Vol 3(2), Sixth Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, 149-188, (In Persian).
- Canepa, M. P., (2009). *Two Eyes of the Earth: Art and Ritual of Kingship Between Rome and Sasanian*. Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.
- Choksy, J. K., (2014). *Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society*. Tr.: Nader Mir Saeidi, Tehran: Qoqnoos, (In Persian).
- Christensen, A. E., (1989). *Iran Under Sasanian*. Tr.: Rashid Yasemi, Tehran: Donyaye Ketab Publication, (In Persian).
- Christensen, P., (2016). *The Decline of Iranshahr*. Trans.: from Danish by S. Sampson, London and New York: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Donner, F. M., (1981). *The Early Islamic Conquests*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Farrokh, K., (2013). *Sasanian Elite Cavalry*. Tr.: Meysam Aliei, Tehran: AmirKabir Publication, (In Persian).
- Frye, R.N.(1977). *The Golden Age of Persia: The Arab in The East*. London: Weidenfeld and Nicolson.
- Frye, R. N., (2013). *The Political History of Iran Under the Sasanian*. Edited by: Ehsan Yarshater, The Cambridge History of Iran, tr. Hasan Anousheh, Vol 3(1), Seventh Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 217-276, (In Persian).
- Garosi, R., (2009). *Die kolossal-Status Šāpur I*. Tehran: Mahi Publication, (In Persian).
- Hoff, D., (2013). *The Forming and Ideology of the Sasanian State Based on archaeological evidence*. Sasanian. Edited by Vešta Sarkhosh Curtis & Sarah Stewart, tr, Kazem Firozmand, Tehran: Markaz Publication, Pp: 40-75, (In Persian).
- Howard-Johnston, J., (2012). *The Late Sasanian Army*. Late Antiquity: Eastern Perspectives. Bernheimer, T. Silverstein, A(Eds.). London: The Gibb Memorial Trust. 87-127.
- Howard-Johnston, J., (2013). *Government and society in Iran at the end of Antiquity. Sasanian*. Edited by: Vešta Sarkhosh Curtis & Sarah Stewart, tr, Kazem Firozmand, Tehran: Markaz Publication, Pp: 150-167, (In Persian).

- Ibn al-Athīr, A. M., (2004). *Al- Kamīl fi'l Tarikh*. Tr.: S.Mohammad Husayn Rouhani, Tehran: Asātir Publication, (In Persian).
- Ibn al-Hawqal, M. A., (1987). *Safarnāmeḥ: Iran in Sūrat al-Ardh*. Tr.: Jafar Sho'ār, Second Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, (In Persian).
- Ibn Khurdadhbīh, 'U., (1992). *Kitab al-masalik wa 'l-mamalik*. Tr.: Saeid Khahron, Tehran: Miras-e Melal, (In Persian).
- Isfahani, H. H., (1967). *Sinnī Muluk al-Ardh wa al-Anbiyā*. Tr.: Jafar Sho'ār, Tehran: Bonyād Farhang-e Iran Publication, (In Persian).
- Ištakhrī, A. I.: (1961). *Masālik al-Mamālik*. Persian Translated from 5/6th AH Centuries, Edited by Iraj Afshār, Tehran: Bongāhe Tarjome wa Nashre Ketab, (In Persian).
- Kolesnikov, A. I., (2010). *Iran on the verge of the fall of the Sasanian*. Tr. Mohammad Rafigh Yahyāii, Tehran: Kando Kāv Publication, (In Persian).
- Le Strange, Guy. (1998). *The Lands of The Eastern Caliphate*. Tr.: Mahmud Erfan, Fifth Edition, Tehran: Elmi wa Farhangi Publication, (In Persian).
- Liverani, M., (1988). *The Growth of the Assyrian Empire in the Habur Middle Euphrates Area a New Paradigm*. State Archives of Assyria Bulletin, Vol II(2), Pp: 81-98.
- Lukonin, V. G., (2014). *Political, Social and Administrative Institutions: Taxes and Trade*. Edited by: Ehsan Yarshater, The Cambridge History of Iran, Tr. Hasan Anousheh, Vol 3(2), Sixth Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 71-148, (In Persian).
- Maqdasi, A., (1982). *Ahsan al-taqasim fil marifat al-aqalim*. Tr.: Alinaqi Monzavi, Tehran: Sherkate Moalefan va Motarjeman Iran, (In Persian).
- Marquart, J., (1994). *Ērānšahr Mach der Geographie des ps*. Moses Xorenaci, Tr.: Maryam Mir Ahmadi, Tehran: Etelā' āt Publication, (In Persian).
- Miri, N., (2012). *Sasanian Pārs: Historical Geography and Administrative Organization*. Costa Mesa, California: Mazda Puplicher.
- Mohammadi Malayeri, M., (2000). *History and culture of Iran During the Transition From the Sasanian era to the Islamic era*. Second Edition, Tehran: Toos Publication, (In Persian).
- Morony, M. G., (1984). *Iraq After the Muslim Conquest*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Morsal-Pour, M. & Fadavi, M., (2017). "Investigating the state of the Silk Road in the Sassanid period". *Kharazmi History*, Vol. V (18), Pp: 163-175, (In Persian).
- Movahed, M. A., (2019). *In The Struggle Between Religion and Government*. Fourth Edition, Tehran: Mahi Publication, (In Persian).
- Nicolle, D., (1996). *Sasanian Armies: The Iranian Empire early 3rd to mid-7th centuries AD*. Kingswood Grove, Stockport: Montvert Publications.
- Pourshariati, P., (2008). *Decline and fall of the Sasanian Empire*. London and New York: I.B. Tauris & co Ltd.

- *Šahrišānīha-ī Ērānšahr*, (2009). Translated&Edited by: Touraj Daryae. Tr.: Shahram Jaliliyan, Tehran: Toos Publication, (In Persian).
- Sangari, E., (2020). “L’iconographie et le statut de femmes sur les bas-reliefs sassanides (224-651apr.J.-C.)”. *Iran and the Caucasus*, No. 24, 2020, Pp: 139-166.
- Sellwood, D., (2013). “Minor States in Southern Iran”. Edited by: Ehsan Yarshater. *The Cambridge History of Iran*. Tr.: Hasan Anousheh, Vol. 3(1), Seventh Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 401-427, (In Persian).
- Shaki, M., (1992). “Class System”. *Encyclopædia Iranica*, Vol V(6), Pp: 652-658. available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/class-system-iii>(Last Updated 21 October 2011).
- Simpson, ST J., (2016). “Ard Maysan and the Land behind Basrah in Late Antiquity”. *Basra Its History, Culture and Heritage*. Collins P(ed.). Dorchester: Dorset Press, Pp: 35-47.
- Smith. M., (2005). “Networks, Territories, and the Cartography of Ancient States”. *Annals of the Association of American Geographers*, Vol. 95(4), Pp: 832–849.
- Smith, M., (2007). “Territories, Corridors, and Networks: A Biological Model for the Premodern State”. *Wiley Periodicals Interscience*, Vol. 12(4), Pp: 28-35.
- Tabari, M. I. J., (2004). *Tarikh al-Rusul wa “l-Muluk*. Tr.: Abolghasem Payande, Third Edition, Tehran: Asātir Publication, (In Persian).
- Tha’ālibi Neyshaburi, A. I. M., (1989). *Ghurar Akhbār, Muluk al-Furas wa Siyarihum*. Tr.: Mohammad Fazaeli, Tehran: Noqreh Publication, (In Persian).
- Yaqubi, A. I., (1977). *Al- Buldān*. Tr.: Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Bongāhe Tarjome va Nashre Ketab, (In Persian).
- Yaqubi, A. I., (2003). *Tarikhe Yaqubi*. Tr.: Mohammad Ibrahim Ayati, Vol. 1, Ninth Edition, Tehran: Elmi wa Farhangi Publication, (In Persian).
- Yusefifar, Sh., (2011). *An Introduction to the Urbanization in the Seljuk Period*. Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies, (In Persian).
- Zarrinkūb, A., (2014). “The Arab Conquest of Iran and Its Aftermath”. Edited by: Richard N. Frye. *The Cambridge History of Iran*. Tr.: Hasan Anousheh, Vol 4, Eleventh Edition, Tehran: Amir Kabir Publication, Pp: 9-52, (In Persian).